

پژوهشی

نقشه راه نیل به مرجعیت علمی در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور

شهرام یزدانی^{۱*}، مرضیه دشتی رحمت‌آبادی^{۲*}، مریم حسینی ابرده^۳، علی‌اکبر حق‌دوست^۴

۱. *نویسنده مسئول: استاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مرکز ملی تحقیقات راهبردی آموزش پزشکی، Shahram.yazdani@yahoo.com

۲. *نویسنده مسئول: پژوهشگر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مرکز ملی تحقیقات راهبردی آموزش پزشکی، M.dashti@nasrme.ac.ir

۳. استادیار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مرکز ملی تحقیقات راهبردی آموزش پزشکی

۴. استاد دانشگاه علوم پزشکی کرمان، مرکز تحقیقات آینده‌نگری و نوآوری در سلامت

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱

چکیده

زمینه و هدف: هدف این مقاله تبیین مسیر حرکت به سمت مرجعیت علمی در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور است تا با گسترش این مسیر در همه مراکز آموزش عالی کشور، مسیر رسیدن به مرجعیت علمی کشور هموار شود.

روش: ابتدا به تعیین مزیت‌های رقابتی بومی و شناسایی نقاط قوت دانشگاه‌های علوم پزشکی پرداخته شد. برای اندازه‌گیری و کمی‌سازی از سه روش، تعیین شاخص براساس تعداد ارجاعات (Total citation) ده پژوهشگر اول دانشگاه در هر رشته و نسبت این فرد به ده نفر اول کشور، تحلیل سایبول، ارزیابی و ارزشیابی داخلی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور استفاده شد.

یافته‌ها: داده‌های جمع‌آوری شده طی سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ ما را به حوزه‌های بالقوه تمایز رهنمون کرد. جایابی راهبردی، با تأکید بر تقسیم کار ملی و ماموریت‌های ویژه صورت پذیرفت؛ به اصطلاح تمایز هم‌نوا (Articulated differentiation) را مد نظر داشتیم. تمامی مزیت‌های رقابتی براساس ویژگی‌هایی همچون زیرساخت‌ها، سرمایه و منابع، دسترسی‌ها، حسن شهرت، کارکنان، فرایندها، و کارکردهای مختلف دانشگاه‌ها در چهار سطح مزیت رقابتی داخلی، ضعیف، قوی و انحصاری طبقه‌بندی و شیوه حرکت بین مبدا و مقصد حرکت نیز با تدوین راهبردها انجام شد.

نتیجه‌گیری: در تدوین برنامه استراتژیک نیل به مرجعیت علمی، سه اقدام ترسیم خط زمانی (Strategic timeline)، تدوین نقشه‌راه (Strategic roadmap) و تدوین برنامه راهبردی تمایز یافته (Strategic plan) صورت پذیرفت. مرجعیت علمی غایتی متعالی برای دانشگاه‌ها محسوب می‌شود؛ اما دانشگاه‌ها باید به ایجاد ارزش افزوده اقتصادی دانش بنیان (Knowledge-based economic value addition)، توسعه میان‌رشته‌ای، پاسخگویی اجتماعی و نهادینه سازی سطوح مختلف قطب‌های علمی در دانشگاه‌ها نیز توجه کنند. در این مسیر شناسایی و پرورش استعداد‌های درخشان و استفاده کامل از ظرفیت‌های علمی آنان حائز اهمیت است.

کلیدواژه‌ها: آموزش پزشکی، برنامه‌ریزی راهبردی، مرجعیت علمی

مقدمه

(Articulated differentiation) را که معمولاً برای تحقق اهداف اسناد بالا دستی در سطح ملی صورت می‌گیرد؛ به کار می‌بریم، و مبین این است که، همه دستگانه‌های علمی در راستای ماموریت بالادستی باید مانند یک زنجیره به یکدیگر متصل شوند. برای اینکه درک قوی‌تری از مفهوم مرجعیت علمی به دست آوریم، بایستی جایگاه مرجعیت علمی در گفتمان معاصر توسعه ایران را تبیین کنیم. شاید بتوان گفت، نقش‌آفرینی اصلی در بنیان‌گذاری فرآیند گفتمانی در باب مرجعیت علمی کشور را مقام معظم رهبری داشتند و تمام مباحثی که حول این موضوع تا بحال شکل گرفته است مثل مبانی، اجزاء، مجاورت‌های مفهومی، موضوعات ما تقدم و ماتاخر و ... بعدها توسط سایر اندیشمندان کشور مطرح شد که به غنای این

پس از انتشار نقشه جامع علمی کشور، مقام معظم رهبری در دیدار با نخبگان جوان کشور فرمودند: «در مجموعه دانشگاه‌های کشور بایستی زنجیره کامل علمی را شاهد باشیم و همه به صورت هم‌افزا، مکمل یکدیگر باشند و مراکز تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و دستگانه‌هایی که به نحوی با مسایل علمی ارتباط پیدا می‌کنند، با یکدیگر همکاری کنند». دو موضوع مهم در کلام مقام معظم رهبری مشاهده می‌شود: ۱- ما اسناد بالادستی و به طور خاص نقشه جامع علمی را داریم و در نهایت باید ماموریت (Mission) و رسالت دانشگاه‌ها را با این اسناد و نقشه راه هم‌راستا کنیم. ۲- ایشان بحث هم‌افزایی را مطرح می‌کنند؛ به همین مضمون اصطلاح تمایز هم‌نوا

انجام داده و آنها را منتشر کند. پژوهش منتشر شده باید توسط دیگران دیده شود، باید مدیریت دانش یا مدیریت ترجمان دانش درباره موضوع انجام و مورد انتشار (Disseminate) قرار گیرد، در سیستم جذب شده و مورد استفاده قرار گیرد (Utilize & Absorb). در نهایت این پژوهش باید به ارزش افزوده اقتصادی و اجتماعی تبدیل شود. به طور قطع برای این امور، فرایندی وجود دارد و اگر بتوانیم کل قطعات این فرایند را درست جاگذاری کرده و به هم مرتبط کنیم، مفهوم مرجعیت علمی رقم خواهد خورد.

رویکرد سازه‌ای به مرجعیت علمی: نگاه عمیق‌تر به مقوله مرجعیت علمی موبد این امر است که مرجعیت علمی که در حال حاضر نمونه‌های آن را در برخی از کشورهای غربی مشاهده می‌کنیم، حاصل تحولات ریشه‌ای‌تر و درازمدت‌تری است که سطوح فلسفی و نظری توسعه علمی را شامل می‌شود. به بیان دیگر صرفاً همه دغدغه و یا نقطه قوتشان، حجم یا حتی کیفیت پژوهش آنان نیست. لایه‌های خیلی عمیقی‌تری در دیسپلین علمی توسط این دانشگاه‌ها شکل گرفته که شاید نسبت به آنها بی‌توجه بوده‌ایم. از فرهنگ آن جامعه علمی، از فلسفه علمی که در مبانی و مفروضات فلسفه آن علم، تئوری‌ها، پارادایمی که شکل گرفته و در نهایت در نقشه راه آن حوزه علمی وجود دارد. این موارد لایه‌های زیرینی است که پژوهش در سطح آنها قرار می‌گیرد. در این رویکرد، می‌پذیریم برای رسیدن به مرجعیت علمی تمام لایه‌های سیزده گانه یک دیسپلین باید با هم و متناسب رشد کند. این رویکرد متشکل از یک سازه چندلایه از توسعه زیربنای فلسفی، زبان، اهداف، خاستگاه پارادایم غالب و علم هنجاری، در اختیار داشتن برجسته‌ترین منابع انسانی و برترین نهادهای دانشی تا داشتن بیشترین ارزش افزوده دانشی است (۶).

در این طرح، ابتدا به تعیین مزیت‌های رقابتی بومی و شناسایی نقاط قوت پرداخته شد. چرا که اول باید دریابیم استعداد (aptitude) ما در چه حوزه‌ای است؟ کجا می‌توانیم سرمایه‌گذاری کنیم؟ و در نهایت با طی کردن چه فرآیندی باید به مرجعیت علمی برسیم؟ برای شناخت مزیت‌های رقابتی بومی، دانشگاه‌ها باید نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی می‌کردند و تصمیم می‌گرفتند بر کدام نقاط و چگونه سرمایه‌گذاری کنند؟ و در نهایت برنامه‌ریزی آکادمیک (Academic plan) اصلی باید چگونه حول مزیت‌های رقابتی آنها شکل بگیرد. برای اندازه‌گیری و کمی‌سازی مزیت‌های رقابتی بومی، روش‌های کاملاً متعددی وجود دارد. در این مرحله سه روش به طور خاص مورد توجه قرار گرفت:

شاخص مزیت رقابتی: این شاخص براساس تعداد ارجاعات (Total citation) ده پژوهشگر اول دانشگاه در هر رشته و نسبت این فرد به ده نفر اول کشور شکل گرفت. شناسایی این شاخص نشان داد که دانشگاه‌ها در چه جایگاهی هستند و تیم‌های دانشگاهی چقدر در دانشگاه‌ها قوی هستند؟ و البته دانشگاه‌ها توانستند همین امر را در مورد رقبای خود نیز برآورد و خود را با آنها مقایسه کنند (۴).

گفتمان کمک شایانی کرده است؛ لذا نمی‌توانیم مرجعیت را در کشور هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی و محقق کنیم، مگر اینکه گفتمان پشت این مفهوم را کامل درک و تحلیل کنیم؛ لذا پژوهشی از نوع تحلیل گفتمان (Discourse analysis) در این زمینه صورت پذیرفت و بیان شد که مرجعیت علمی از مفهوم فرادستی/ سیادت (Hegemony) برمی‌خیزد (۵). در این مفهوم، هنگامی که یک طبقه اجتماعی فراتر از محدوده قهر یا قانون بر دیگران اعمال قدرت می‌کند، آن قدرت را می‌توان قدرت هژمونیک توصیف کرد. هژمونی موقعیتی ویژه است که یک فرد، گروه، طبقه، مؤسسه و یا کشور با قرار گرفتن در آن، انظار را به خود جلب کرده و با ایجاد وضعیت تسلیم و تواضع در دیگران، آنان را متقاعد می‌کند تا رهبری‌اش را بپذیرند (۳). از این منظر، مرجعیت علمی (Supremacy) شکلی از قدرت نرم (Soft power) و مشروع می‌باشد که به واسطه فرادستی و سیادت در حوزه‌های علم و فناوری، حاصل می‌شود. پیشگامی در توسعه مرزهای دانش و دارا بودن بیشترین سهم از فعالیت‌ها، فرایندها و محصولات دانشی در یک رشته علمی از مصادیق بارز مرجعیت علمی محسوب می‌شود (۱). مرجعیت علمی به معنی تأثیرگذاری محوری بر جایگاه کنونی و شکل‌گیری وضعیت آینده یک رشته علمی است (۱). این مفهوم را با مفاهیمی چون قدرت (power)، اقتدار (authority)، توفیق و برتری (Superiority)، و ... به گونه‌ای متفاوت، تعریف کرده‌ایم (۶). هدف این مقاله تبیین مسیر حرکت به سمت مرجعیت علمی در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور است تا با گسترش این مسیر در همه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور و همیاری همه اندیشمندان و نهادهای علمی، مسیر رسیدن به مرجعیت علمی در کشور هموار شود.

روش

رویکردهای مختلفی برای نیل به مرجعیت علمی وجود دارد که هر کدام می‌تواند بخشی از تفکر ما نسبت به این مفهوم را بسازد:

رویکرد رقابت در لیگ جهانی دانش: برداشت‌های متداول از مرجعیت، به طور عمده معطوف به جایگاه کشور در حوزه تولیدات دانشی و رقابت در لیگ جهانی دانش می‌باشد. این برداشت از مرجعیت علمی، همگی با شاخص‌های علم سنجی ارزیابی می‌شود. اغلب صاحب‌نظران معتقدند که تمرکز صرف بر روی تولید مقالات در درازمدت راه به جایی نمی‌برند. با این رویکرد وقتی شاخص‌های مختلف علمی، پژوهشی و نوآوری داشته و در نهایت بخواهیم در رتبه بندی بین‌المللی نیز جایگاه رتبه‌ای خود را بالاتر بیاوریم؛ هر موقع به رتبه اول رسیدیم احتمالاً ما مرجع محسوب می‌شویم. این رویکرد دارای ابعاد مختلف و نقاط قوت و ضعف است.

رویکرد فرآیندی: در این رویکرد بحث مسابقه مطرح نیست؛ اما هر دانشگاهی نیروی انسانی خود را می‌سازد، این نیروی انسانی در دانشگاه باید به عنوان یک عامل دانشی (Knowledge worker) کار کند، مثلاً پژوهشی را

می تواند انجام دهد. راهبردها، تصمیم گیری های کلان و سیاست های جهت بخشی است که دانشگاه ها طی می کنند به طور مثال دانشگاهی که یک مزیت رقابتی خیلی کوچک و داخلی دارد علی القاعده راهبردهای توسعه کمی مثل توسعه هیئت علمی، زیرساخت ها، مراکز تحقیقاتی، پارک های علم و فناوری را می تواند پیگیری کند. وقتی مزیت در دانشگاهی قوی تر باشد، راهبردهای خانواده تعالی از جمله بهبود کیفیت، کسب اعتبار (accreditation)، بهبود جایگاه در نظام های رتبه بندی، ظرفیت سازی، فرهنگ سازی مورد توجه قرار گرفت. در اتخاذ راهبردهای ملی، دانشگاه باید تلاش کند تا در اموری همچون تدوین استانداردهای ملی، نقش آفرینی انجمن ها و بوردهای تخصصی و ... نبض اصلی تپش در سطح کشور باشد. در نهایت دانشگاهی که دارای مزیت رقابتی خیلی بالا یا انحصاری است، می تواند به راهبردهای فرادستی بین المللی همچون پیشگامی در تحقیقات، داشتن بیشترین سهم از مقالات، کتاب ها، مجله های جهانی، موسسات دانش بنیان و ... فکر کند (۶).

بحث و نتیجه گیری

امروزه داشتن دید استراتژیک و تدوین برنامه ریزی استراتژیک برای هر سازمان، مؤسسه و کشوری یک ضرورت حیاتی محسوب می شود. در تدوین برنامه استراتژیک نیل به مرجعیت علمی، پس از شناسایی مزیت های رقابتی هر دانشگاه و تدوین راهبردهای مناسب، سه اقدام صورت پذیرفت:

ترسیم خط زمانی راهبردی (Strategic timeline): در این مرحله باید حدود و صغور اقدامات زمانی خود را مشخص کرده و برای هر رشته نیازمند ترسیم یک خط زمانی متفاوت باشیم. برای نمونه اگر دانشگاهی از مزیت رقابتی ضعیفی شروع کرده و قصد دارد در بازه زمانی به طور مثال هفده ساله به مرجعیت علمی برسد؛ احتمالاً چهار سال اول را صرفاً باید سرمایه گذاری های خود را بر توسعه کمی استوار و از سال پنجم بر توسعه کیفیت سرمایه گذاری کند. در اصل این کار ترسیم خط زمانی استراتژیک است و به دانشگاه ها کمک می کند زمان آینده خود را ببینند و بدانند در هر برهه زمانی روی چه چیزهایی باید سرمایه گذاری کنند. وقتی یک خط زمانی راهبردی داشته باشیم، قادر به ترسیم نقشه راه راهبردی نیز هستیم.

تدوین نقشه راه راهبردی (Strategic roadmap): تبدیل خط زمانی به نقشه راه مستلزم آن است که سلسله اقدامات اساسی در طول خط زمانی را بچینیم و بتوانیم روابط بین این اقدامات یا تقدم و تاخر این اقدامات را به نمایش بگذاریم. به گونه ای که با نگاه به این نقشه دریابیم که اقدامات اساسی در هر مرحله



شکل ۳- نمونه ای از نامه اوصلی توسط دانشگاه به منظور اعلام نقشه راه

در برخی موارد تعدد حوزه های تمایز زیاد و متعدد بود؛ لذا توصیه کردیم که به طور مثال یک دانشگاه کوچک بر روی حوزه های متعدد سرمایه گذاری نکند. فرآیند اجماعی بر حوزه های تمایز در دانشگاه ها بسیار وقت گیر بود؛ اما با مشارکت دانشگاه ها به سرانجام رسید. بخش زیادی از اجماعات، اقناعی و طی مذاکرات رفت و برگشتی با وزارت بهداشت قابل حصول بود. در این مرحله وزارت بهداشت پیشنهادهایی حمایتی را مطرح می کرد؛ اما در نهایت دانشگاه ها با طرح و تصویب موضوعات در هیئت امنای دانشگاه خود، بر روی حوزه های قابل سرمایه گذاریشان تصمیم گرفتند (۴، ۶) (شکل ۳).

با توجه به مزیت های رقابتی بومی قوی یا ضعیف استحصال شده از یک دانشگاه، تمامی مزیت های رقابتی بر اساس ویژگی هایی همچون زیرساخت ها، سرمایه و منابع، دسترسی ها، حسن شهرت، کارکنان، فرایندها، و کارکردهای مختلف دانشگاه در چهار سطح مزیت رقابتی داخلی، ضعیف، قوی و انحصاری طبقه بندی شد. باید توجه داشته باشیم که اگرچه وجود مزیت رقابتی، یک نهاد دانشی را در آغاز مسیر در جایگاه بهتری قرار می دهد؛ ولی به هیچ وجه تضمین کننده نتیجه این رقابت نمی باشد و در بسیاری از موارد رقبایی که ابتدا در جایگاه پایین تری قرار داشته اند با هدف گذاری، برنامه ریزی و تلاش مضاعف می توانند نتیجه این رقابت را به نفع خود تغییر دهند.

پس از شناخت مبدا حرکت که مزیت های رقابتی و اولویت های ملی است و شناخت مقصد نهایی که رسیدن به مرجعیت علمی است، نیازمند تدوین راهبردها و نشان دادن مسیر حرکت بین مبدا و مقصد می باشیم. به بیان دیگر باید مشخص کنیم که هر دانشگاه چه اقداماتی را برای طی کردن مسیر خود،

در مرجعیت علمی وقتی به لبه‌ها و مرزهای دانش نگاه می‌کنیم، به طور ناخودآگاه به حوزه‌های میان‌رشته‌ای نیز رهنمون می‌شویم. وقتی می‌خواهیم نوآوری داشته و ارزش افزوده اقتصادی بیافرینیم، درمی‌یابیم که نوآوری‌ها، از تکنولوژی‌های مختلف در حوزه‌های مختلف دانشی استفاده می‌کنند و در عمل وقتی یک نوآوری را می‌بینیم، متوجه می‌شویم که صدها حوزه دانشی مختلف با هم ادغام شده‌اند. دراصل ارزش افزوده اقتصادی و دانشگاه نوآور هم نیازمند توسعه میان‌رشته‌ای است و در مرجعیت علمی نیز این توسعه، مهم است.

همچنین در بحث پاسخگویی اجتماعی می‌بینیم که، در مسائل اجتماعی مثل فقر (poverty)، محرومیت (Deprivation)، بی‌عدالتی (Inequity)، خشونت (Violence) که در فضای بیرون از ذهن وجود دارند و واقعی هستند؛ رویکردهای اقتصاددانان، جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان، سیاست‌مدار و ... به این مسائل متفاوت است؛ لذا اگر بخواهیم رویکردی درست و قوی و مؤثر در مقابل مشکلات یکتا در جهان بیرونی اتخاذ کنیم، تکرر رشته‌ای را خیلی تحمل نمی‌کنیم. به همین سبب برای رسیدن به آرمان پاسخگویی اجتماعی، توسعه میان رشته‌ای بسیار مهم است (۶).

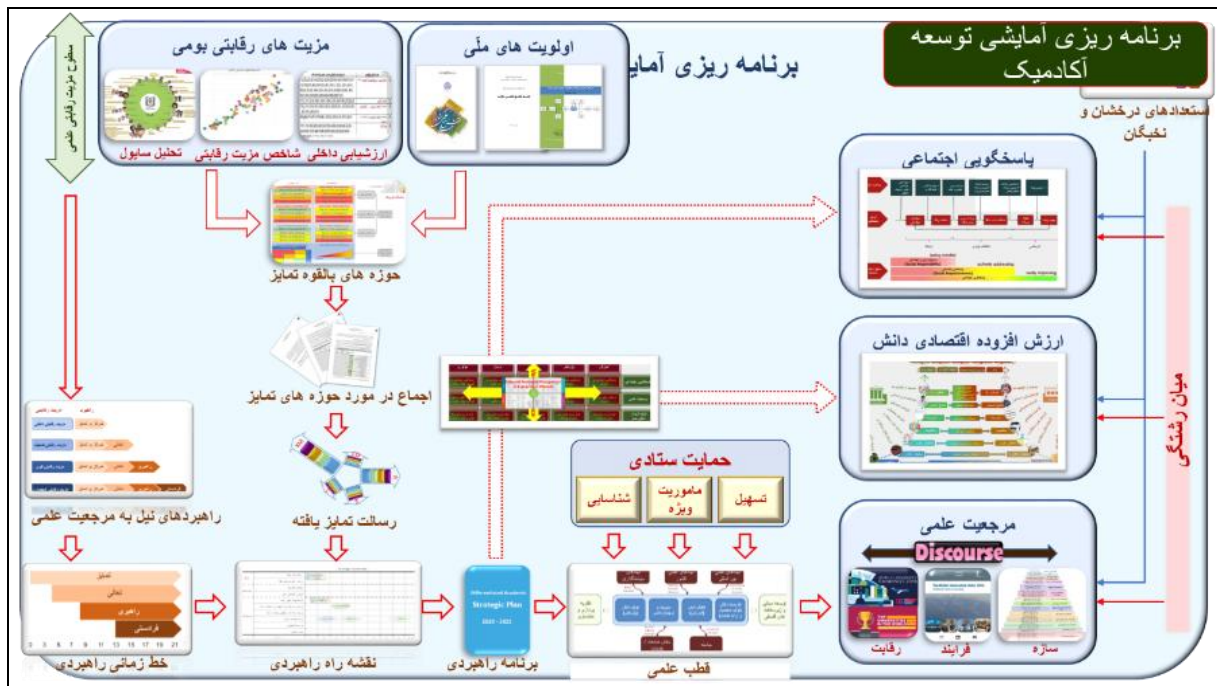
نقش قطب‌های علمی نیز مهم است. قطب‌های علمی، نهادهای دانشی هستند که به واسطه مزیت‌های رقابتی بالقوه (یا بالفعل) خود در مسیر تمایز، با نقش‌آفرینی کلیدی در حل مسایل کلیدی کشور در یک رشته خاص، و نیل به مرجعیت علمی در آن رشته گام بر می‌دارد. در قطب علمی، ویژگی خاصی متبلور شده و دارای مزیت‌هایی است که راهبردهای خود را انتخاب کرده است. قطب علمی باید دیده شده و در محیط پیرامونی خود اثرگذار باشد. در طرح مرجعیت علمی، قطب‌های علمی نیز براساس گسترش اقدام و دسترسی به آنها را طبقه‌بندی کردیم. به طور مثال یک قطب علمی که برنامه راهبردی تمایز یافته را تدوین و تخصیص هدفمند منابع را آغاز کرده است، یک قطب علمی بالقوه نامیده می‌شود؛ اما گستره فعالیت‌های قطب علمی مرجع، علاوه بر کارکردهای دانشی (آموزش، پژوهش، مدیریت دانش و ارائه خدمات) و گسترش اقدامات و دسترسی (جامعه، بخش خدمات و صنعت، نهادهای سیاست‌گذار و جامعه علمی ملی و بین‌المللی)، شامل فعالیت‌های ریشه‌ای‌تر در ارتباط با توسعه مبانی مفهومی، نظری و فلسفی رشته می‌شود. برای نیل به مرجعیت علمی دانشگاه‌ها باید دوره گذاری را از مدل مؤسسه‌ای به مدل شبکه‌ای قطب‌های علمی کشور طی کنند.

براساس سطوح مختلف قطب‌های علمی، ماموریت‌های ویژه هم سطوح مختلفی پیدا می‌کنند. ماموریت ویژه از یک سمت برتوان و بضاعت یک قطب علمی اتکا دارد، و از سمت دیگر به اولویت‌های ملی و تکالیفی که در سطح کشور و در قالب تقسیم کار ملی (National work breakdown) تعریف

چيست. نقشه راهبردی بازه‌های زمانی کوتاه‌تری را مورد توجه قرار داده و در برگیرنده چند اقدام اساسی است. در این مرحله فهرستی را به دانشگاه ارائه کردیم و دانشگاه‌ها مختار بودند که از این فهرست دست به انتخاب بزنند. گاهی اوقات سفارش دانشگاه‌ها، خارج از فهرست پیشنهادی بود که در این پروژه با عنوان سفارش تعدیل شده (Customise order) نام برده شده است؛ لذا نقشه راه، انتخاب مداخلات از منوی مداخلات پیشنهادی، و چیدن آنها در چارچوب زمانی پیش‌بینی شده بود و راهنمای دانشگاه‌ها برای اقدامات بوده است.

داشتن برنامه راهبردی تمایز یافته (Strategic plan): در این برنامه به طور کامل مشخص است که چه مسئولیتی توسط چه فردی و تا چه زمانی باید انجام شود و بر محوریت نقشه راه راهبردی استوار است. این برنامه راهبردی در سطوح مؤسسه و دانشگاه و به تفکیک برنامه‌های توسعه‌ای دانشگاه، رسالت محور و یا با محوریت تمایز دانشگاه در یک حوزه علمی تدوین و معایب و مزایای هر رویکرد مشخص شده است (۶).

این توضیح لازم است که مرجعیت علمی غایتی بسیار متعالی است که مورد تأکید صاحب‌نظران است؛ اما آیا قرار است که فقط به این جایگاه برسیم و دانشگاه‌ها هیچ غایت مهم دیگری ندارند؟ پاسخ: خیر. یکی از غایت‌های بسیار مهم دانشگاه‌ها، ایجاد ارزش افزوده اقتصادی دانش‌مدار/دانش‌بنیان (Knowledge-based economic value addition) است. دانشگاه‌ها در یک نظام نوآوری ملی (National Innovation system)، منطقه‌ای (Regional/cluster)، بخشی (Sectorial) و در یک نظام نوآوری ویژه حوزه خاصی از دانش فناوری (Technology specific Innovation system) می‌توانند نقش‌آفرینی کنند. مفهوم اخیر به مفهوم مرجعیت علمی خیلی نزدیک است؛ اما در نهایت دانشگاه باید گذاری نوآور به سمت دانشگاه نسل سه، کارآفرین یا نسل چهار داشته باشد. دانشگاه‌ها از وضعیت فعلی وابستگی به بودجه دولتی بایستی خارج شوند. دانشگاه باید بتواند براساس دانشی که در درونش ایجاد یا تولید می‌شود، ارزش‌آفرین باشند که شامل ارزش‌های اقتصادی هم می‌شود. همچنین دانشگاه‌ها مسئولند که در یک فرآیند ممتد، همواره پایش و پویای محیطی انجام دهند نیازها و توقعات محیطی را شناسایی کنند، براساس شناسایی این نیازها و توقعات، عملیات درونی خود را تغییر دهند و تا زمان اطمینان از برآورده شدن نیازها پیگیر باشند. دانشگاه پاسخگو و پاسخگویی اجتماعی در دانشگاه‌ها نیز غایت دیگری است که باید به صورتی متعادل به سمت آن حرکت کنیم. غایت‌های آکادمیک دیگری مثل بین‌المللی‌سازی، دانشگاه اخلاقی و حکمت مدار نیز از غایت‌های دیگر دانشگاه هاست؛ لذا تمامی غایت‌ها را باید به شیوه‌ای در کنار هم ببینیم و یا اضافه کنیم که بدون آنکه باعث تضعیف یکدیگر شوند، مکمل یکدیگر باشند.



شکل ۴- برنامه ریزی آمایشی توسعه دانشگاهی

خود و همچنین حمایت های مالی و غیرمالی از جمله اخذ سهم از سایر ردیف های بودجه ای، اخذ وام های کم بهره تا اعطای ماموریت ویژه و ... را دریافت کنند (۶).

و بالاخره اینکه، نیل به مرجعیت علمی اقدام بزرگی است که با مسایل، چالش ها و پیچیدگی های زیادی روبه رو است. در واقع می خواهیم مسئله ای با معیارهای متعدد (Multi criteria)، ویژگی های چندگانه (Multi attribute)، ابعاد مختلف (Multi dimensional) و با گام های متعدد (Multi steps) را برداریم که اگر از استعداد های برتر و نخبگان دانشگاهی استفاده بهینه نکنیم، احتمالاً نمی توانیم به اهداف خود برسیم؛ لذا در این مسیر استعدادهای درخشان باید شناسایی و پرورش یابند تا بتوانند در فرآیندی نظام مند، نقش های فرادستی خود در رسیدن به مرجعیت علمی را ایفا کنند (۲، ۶).

تقدیر و تشکر

از تلاش بی وقفه تمامی صاحب نظران، روسا و مدیران ارشد دانشگاه های علوم پزشکی کشور که در به ثمر نشستن طرح مرجعیت علمی در دانشگاه های علوم پزشکی همکاری نزدیکی با مرکز ملی تحقیقات راهبردی آموزش پزشکی داشته اند تشکر و قدردانی می کنیم. امیدواریم با حمایت های نهادهای بالادستی نظام و همکاری تنگاتنگ وزارتین علوم، تحقیقات و فن آوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، نیل به جایگاه مرجعیت علمی میهن عزیزمان در سطح بین المللی تسهیل شود (۲).

شده، متکی است. گاهی یک ماموریت ویژه را به یک قطب بالقوه می دهیم که گسترش مؤسسه بومی در درون خود ایجاد کند و برای نقش آفرینی بزرگتر در سطح ملی آماده شود، گاهی یک ماموریت ملی منطقه ای مستقل را واسپاری می کنیم که شاید خیلی نیازمند همکاری سایر موسسات کشور نباشد. گاهی از یک قطب جامع، اقدام هماهنگ ملی می خواهیم که مستلزم چتر تولیته گسترده تر این قطب علمی بر روی سایر نهادهای دانشی در سطح کشور است. گاهی نیز یک اقدام بین المللی را از یک قطب علمی طلب می کنیم؛ این قطب نه تنها باید در شبکه بین المللی نهادهای دانشی مرتبط، به طور کامل جای پای خود را محکم کرده باشد؛ بلکه سایرین نیز باید بپذیرند که یک جایگاه متعالی در حوزه دانشی خاص در این قطب علمی وجود دارد و می تواند به یک قطب مرجع تبدیل شود.

همچنین بسیار مهم هست که ظرفیت دانشگاه را در بستر آمایشی ببینیم و بپذیریم که ظرفیت ها در منطقه آمایشی کاملاً می توانند هم افزا باشند که این امر کاملاً در برنامه ریزی آمایشی دیده شده است (شکل ۴). بسیار پسندیده است که دانشگاه های یک کلان منطقه با یکدیگر مزیت ها و تحلیل ها را داشته باشند و در نهایت تمایز رسالت ها در کلان مناطق پایه گذاری شود. برای اینکه دانشگاه ها به سمت یک قطب علمی و مرجعیت علمی در سطح دنیا حرکت کنند، به طور قطع از سمت ستاد وزارت بهداشت باید حمایت های خاصی نیز صورت بگیرد. پس از شناسایی (Recognition)، قطب ها می توانند تسهیلاتی برای گسترش

Original

Roadmap for Achieving Supremacy in Medical Sciences Universities

Shahram Yazdani^{*1}, Marzieh Dashti^{2*}, Maryam Hoseini Abardeh³, Aliakbar Haghdoost⁴

1. *Corresponding Author: Professor of Ministry of Health, National Agency for Strategic Research, Shahram.yazdani@yahoo.com

2. *Corresponding Author: Researcher of Ministry of Health, National Agency for Strategic Research, M.dashti@nasrme.ac.ir

3. Assistant Professor of Ministry of Health, National Agency for Strategic Research

4. Professor of Kerman University of Medical Sciences, Health Foresight and Innovation Research Center

Abstract

Background: We aimed to explain the roadmap to supremacy in the country's medical universities. Expanding this path in all higher education institutes would improve supremacy.

Methods: In this project, local competitive advantages and the strengths of medical universities were initially identified. Three methods were used for measuring and quantifying, as follows: determining the index based on total citations of the top ten researchers in each field and the ratio of these people to the top ten in the country, SciVal analysis, evaluation and internal evaluation of universities and institutions were used.

Results: The data collected from the previous two stages during 2020-2021 led us to potential areas of differentiation. Strategic placement took place with an emphasis on the division of national duties and special missions, and we paid attention to the articulated differentiated. All competitive advantages were classified into four levels (internal, weak, strong, and exclusive competitive advantage) based on characteristics such as infrastructure, capital and resources, access, reputation, staff, processes, and various functions of universities. The way of moving between the start point, and the destination was also done by formulating strategies.

Conclusion: In formulating a strategic plan for achieving supremacy, a strategic timeline, a strategic roadmap, and a strategic plan were developed. Supremacy is a high goal for universities. However, universities must also consider other goals, such as: creating knowledge-based economic value addition, interdisciplinary development, social accountability, and the institutionalization of different levels of academic hubs in universities. In this path, identifying and encouraging talented individuals and making full use of their scientific capacities is also very important.

Keywords: Medical Education, Strategic Planning, Supremacy

منابع

1. Haghdoost A.A., Dashti Rahmatabadi M, Yazdani SH, Hosseini Abardeh M, Dehnavieh R. From "Top Talent" to "Scientific Authority": New Conceptualization at the Academic Support Context. *Teb va tazkiye journal of The Ministry of Health and Medical Education* 2020; 28(4): 1-21. [In Persian].
2. Yazdani SH, Dashti Rahmatabadi M, Hosseini Abardeh M, Haghdoost A.A. Model for Maximum Participation of Elites for Attaining Scientific Supremacy. *Iranian Journal of Culture and Health Promotion* 2022; 5(1): 18-25. [In Persian].
3. Haghdoost A.A, Noori Hekmat S, Dehnavieh R, Poursheikhali A.A. Practical Look at the Concept of Scientific Authority. *Iranian Journal of Culture and Health Promotion* 2020; 3(1): 16-23. [In Persian].
4. Yazdani Sh, Sadeghzarei R, Hoseini Abardeh M. Explaining the Indicators of Academic Competitive Advantages of Medical Universities: A Qualitative Content Analysis. *Research in Medical Education* 2022; 13(3): 55-61. [In Persian].
5. Yazdani Sh, Siahtir M, Hoseini Abardeh M. Discourse analysis of scientific supremacy in Iran. *Teb va tazkiye journal of The Ministry of Health and Medical Education* 2021; 29(3): 183-195. [In Persian].
6. Encyclopedia of the National Agency for Strategic Research on Supremacy. Available at: www.nasrme.ac.ir [In Persian]